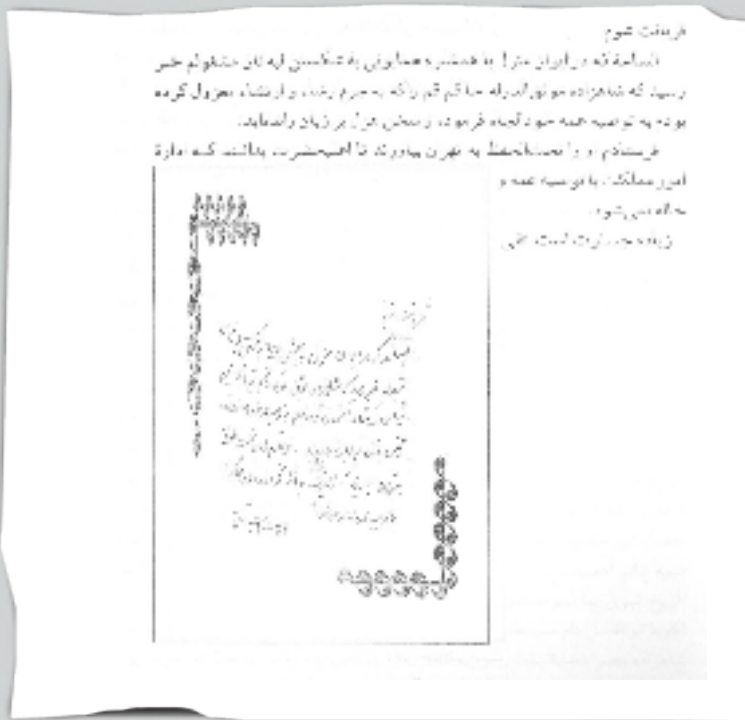


## فصل سوم: امریکا، کاپیتولاسیون و پیشینه‌های تاریخی آن

### نامه امیر کبیر به ناصرالدین شاه<sup>۱</sup>



۱. اتفاقات تاریخی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶، ص ۴.





## اداره امور مملکت با توصیه عمه و خاله و والدۀ و ضعیفه!!

تقسیم مناصب و مشاغل حساس و کلیدی، ویژه خواری‌های اقتصادی و سیاسی، فرصت‌های شغلی، تحصیلی و غیره و حل مصائب و مشکلات کشور از طریق چرخش کارگزاران در درون خانواده شاه، صدراعظم‌ها، وزیران، والیان و استانداران، رؤسای سازمان‌ها و ادارات تا سطوح پایین‌تر، رویه زشتی است که از دیرباز در ساختار دیوان‌سالاری نظام‌های سلطنتی در ایران وجود داشته و با کمال تأثیر بخشی از آنها به دیوان‌سالاری بعد از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی راه پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که پدیده بیوت، پدیده آقازاده‌ها، پدیده دستیاران و مشاوران عالی و ویژه و سایر پدیده‌های مشابه، بخشی از جامعه‌شناسی قدرت و مسئولیت در دوران معاصر می‌باشد. خیلی از رفتارهای درون قدرت از دل این پدیده‌ها ساماندهی می‌شود و در بخشی از باورهای سیاسی دولتمردان و کارگزاران سیاسی به عنوان یک حق مسلم تلقی می‌گردد؛ طوری که حتی بعضی از مدیران سطوح بالای مملکتی استفاده از برادر و فرزند و سایر وابستگان را در حل حیاتی‌ترین معضلات کشور و یا اخذ حساس‌ترین پست‌های خدمتی و برخورداری از امتیازات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را یک حق غیر قابل مجادله و اثبات‌شده تلقی می‌کنند و پیدا شدن سر و کله وابستگان آنها در این مأموریت‌ها و مشاغل و مناصب امری عادی تلقی می‌شود.

باز خوانی شیوه‌های توجیه این رویه به جا مانده از دوره قاجاری و پهلوی در خاطرات یکی از مسئولان سطوح بالای کشور ما آن هم در عصری که امام خمینی انقلاب اسلامی را انقلابی علیه این گونه امتیازات می‌دانستند جالب توجه است.

خانواده من وارد سیاست نشدند. دخترانم یکی وارد کار ورزش (فائزه)<sup>۱</sup> و دیگری وارد بنیاد بیماران خاص (فاطمه) شدند. پسرانم: محسن که در اروپا جزو انجمن اسلامی بود که زمینه سیاسی داشت. به ایران آمد، مشغول کار در موشک‌سازی شد. رشته‌اش مربوط به بدنه موشک‌سازی بود و به همین خاطر تحصیلش را نیمه‌کاره رها کرد و آمد. چون به او نیاز داشتیم. کارش مخفی بود و بعد به بازرسی رئیس جمهوری آمد که آن هم کاری مخفی بود. کسی را می‌خواستیم که از اطلاعات سوءاستفاده نکند. بعد به مترو رفت که الان هم هست. مهدی به صنعت علاقه داشت

۱. نماینده مجلس شدن، انتشار روزنامه و سردمداری لشکرکشی‌های خیابانی و امثال اینها به زعم آقای هاشمی نسیتی با سیاست ندارد!

و فهمید که وضع مادر دریا ضعیف است. صنایع دریایی ما خیلی ضعیف بود. او دنبال سکوسازی و لوله‌های کف آب و حفاری در دریا رفت که وابسته بودیم. آخرش به پارس جنوبی و عسلویه رسید و الان به CNG رفت که برای صرفه‌جویی و محیط‌زیست خوب است.

یاسر هم با آقای فروزش وزیر سابق جهاد سازندگی درباره خودکفایی پنیر کار می‌کرد. آن موقع مشکل ما در کشور این بود که کسی دنبال صنایع تبدیلی نمی‌رفت. دامداران مشکل داشتند و پنیر هم وارداتی بود. مشاور وزیر بود، ولی این سمت برای راه‌اندازی کارش بود. الان هم در دفتر من در مرکز تحقیقات است...<sup>۲</sup> این روش در جامعه ما باب نیست. به معنای مصطلح وارد سیاست نشدند، ولی وارد میدان شدند. البته یک بحث اساسی دارم که می‌توانستم جلویشان را بگیرم که معلم شوید و یا درس بخوانید و اینکه پسر رئیس جمهور هستید، برایتان بس است. اگر این تفکر عام شود، بچه‌های شخصیت‌ها نمی‌توانند کار کنند که نوعاً دلسوز هستند. فرهنگ درستی نیست. البته شاید بعضی‌ها سوءاستفاده کنند. شاید بعضی‌ها راضی باشند که بچه‌هایشان هیچ کاری نکنند و نانی بخورند و بگردند. چرا باید این گونه باشند؟<sup>۳</sup>

این مقدمه را از آن جهت مطرح کردیم تا مشخص شود سپردن اداره مملکت به عمه و خاله و غیره چه دستاوردی برای ملت مظلوم ایران به همراه آورد و چگونه سیاست که

۱. جهت استحضار خوانندگان محترم باید گفت که یاسر آخرین فرزند هاشمی رفسنجانی متولد ۵ مرداد ۱۳۵۰ است و زمانی که افتخار مسئولیت مشاور وزیر و حل مشکلات صنایع تبدیلی و خودکفایی پنیر ایران را در سال ۷۴-۷۳ به دست آورد بیش از ۲۳ سال نداشت! به نوشته پل کلبنیکوف در ماهنامه فوربز یاسر یک مزرعه پرورش اسب ۳۰ هکتاری در لواسان در شمال تهران دارد، جایی که هر جریب زمین در آن حدود ۴ میلیون دلار قیمت دارد و همچنین یک شرکت بزرگ واردات و صادرات را اداره می‌کند که در زمینه خرید و فروش غذای بچه، آب معدنی و ماشین‌آلات صنعتی فعالیت دارد. رک:

Paul Klebnikov, family Official Website of Ayatollah Hashemi Rafsanjani-

همچنین رک: ویکی‌پدیا.

۲. فرزندان آقای هاشمی به برکت جایگاه پدر هم از رانت‌های تحصیل بهره بردند هم قبل از اتمام تحصیلات محل کار آنها در جاهایی که بسیاری از جوانان شایسته این مملکت آرزوی کار در آن جاها را دارند تضمین شد. آیا ملت ایران حق ندارد سؤال کند که آقای هاشمی و سایر مدیران اجرایی این مملکت به همان میزان که به خانواده‌های خود رسیدند به فرزندان این مرز و بوم رسیدند؟ آقای هاشمی و همفکران او باید بگویند ما در ظرف یک سال نرخ بیکاری را پایین آوردیم چون در میان اعضای خانواده و فامیل خود ناله‌ای از بیکاری نمی‌شنوند تا بفهمند مردم چه می‌کشند.

۳. منبع سایت شخصی هاشمی رفسنجانی: <http://www.hashemirafsanjani.ir/content>

همچنین رک: مقاله «نگاهی به خوشبینی‌های فرمایشی و زست‌های دم‌کراتیک آقای هاشمی رفسنجانی»، *ا/خرداد*، دوره سوم، س ۱۱، تابستان ۱۳۹۳، ش ۴۰، ص ۲۸۳-۲۸۲.





امری است مربوط به حوزه عمومی، به امری شخصی و خانوادگی و حزبی تبدیل شد.

## جای پای اولیه

اولین سفیر امریکا در سال ۱۲۶۱ خورشیدی مطابق با ۱۲۹۹ قمری و ۱۸۸۲ میلادی از طرف پرزیدنت آرتور به ایران اعزام شد و ساموئل گرین ویلر بنجامین نام داشت. اولین سفیر امریکا نقاش و نویسنده بود و هنوز تضاد میان سیاست و حقیقت که در روح و روان سیاستمداران غربی ریشه داشت در جان وی نفوذ نکرده بود. بنابراین گزارش‌های رمانتیک بنجامین در مورد توانایی‌ها و استعداد و حق طلبی و عدالت‌خواهی ایرانیان به خصوص در مورد معماری ایران در عصر صفویه و سایر خلیقات ایرانی جالب توجه و تا حدودی خالی از کینه‌ورزی‌های اروپاییان نسبت به ایرانیان می‌باشد. اگر چه بعضی از محققین معتقدند که بنجامین رفتار تحقیر آمیزش را نسبت به مردمی که قرار بود با آنها رابطه بهتری را آغاز کند مخفی می‌کرد و او در آخرین پیامش در روز عزیمت به امریکا ایرانیان را مردمی متعصب و فاسد خواند.<sup>۱</sup> اما خاطرات بنجامین در ذهن خواننده ایرانی چنین تصویری را ایجاد نمی‌کند.

بنجامین بیش از دو سال در ایران دوام نیاورد و جانشینان وی نیز نقش ویژه‌ای از این روابط را در ذهن ایرانیان تا انقلاب مشروطه ترسیم نکردند. در متون و مدارک تاریخی نیز مطلبی به چشم نمی‌خورد که نشان دهد توجه وزارت خارجه امریکا به ایران در این مرحله به هدفی بالاتر از حمایت از مسیونرهای امریکایی در ایران نظر داشته است. از آن طرف برخورد اولین گروه دیپلماتیک ایران در امریکا نیز جالب است. هیئت سیاسی ایران به سرپرستی حسینقلی خان صدرالسلطنه معروف به حاجی واشنگتن، در پنجم اکتبر ۱۸۸۸ (۱۴ مهر ۱۲۶۷ شمسی / ۲۸ محرم ۱۳۰۶ قمری) وارد پایتخت امریکا شد. حسینقلی خان برای انتصاب در چنین پست مهمی مانند اغلب کارگزاران دوره قاجاری و پهلوی هیچ ویژگی برجسته‌ای نداشت مگر این که فرزند میرزا آقاخان نوری یکی از سرسپرده‌ترین صدراعظم‌های عصر قاجاری به سیاست بیگانگان بود. حسینقلی خان در اولین دیدارش با رئیس‌جمهور امریکا برای رهایی ایران از سلطه انگلیس و روسیه از امریکا عاجزانه تقاضای کمک کرد.<sup>۲</sup> او در همان دیدار اول در ماندگی رژیم قاجاری در دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال ایران را مانند اغلب دولتمردان

۱. آبراهام یسلسون، روابط سیاسی ایران و امریکا، ترجمه محمدباقر آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۷۰.  
۲. همان، ص ۷۹.

عصر قاجاری و پهلوی بر ملا ساخت و نشان داد که ایگارشسی دیوان سالاری در درون ایران به رغم شعارهای بین الملل گرا بودن درک دقیقی از ارتباطات بین المللی و روابط با بیگانگان ندارد.

جهالتی که حتی متأسفانه در عصر جمهوری اسلامی نیز بعضی از دولتمردان ما در مذاکره با دشمن اجنبی به خرج داده و به گونه‌ای رفتار می کنند که گویی ملت ایران در حل مشکلات خود درمانده، عاجز و مستأصل است. اگر چه ظاهراً رئیس جمهور امریکا در پاسخ به سفیر ایران اعلام کرد که در خواست ایرانی‌ها مبنی بر شرکت امریکا در کشمکش‌های سیاسی داخلی، مخالف اصل عمده سیاست خارجی امریکا و غیر عملی است؛<sup>۱</sup> لیکن این درخواست سطح توانایی و مهارت دولتمردان ایرانی در برخورد های دیپلماتیک را در حد زیادی در اذهان تاریخی امریکایی‌ها تنزل داد.

حرکت دوم حسینقلی خان صدر السلطنه در امریکا، آنقدر سخیف بود که حتی صدای پادشاه مستبد و رجال دربار عقب افتاده وی را نیز در آورد. حسینقلی خان به علت آبروریزی ناشی از ذبح گوسفندی در بالکن هتل والدورف-آستوریا در شهر نیویورک، در روز عید قربان به تهران احضار شد. ناصرالدین شاه خطاب به او گفته بود: ما را نزد جوان ترین دولت دنیا بی آبرو کردی و ملت چندین هزار ساله ما را مسخره عالمیان کردی. خدا از تو نگذرد.

انتخاب چنین کار گزارانی در دیوان سالاری حکومتی که عموماً تحت تأثیر وابستگی قبیله‌ای، قومی، خانوادگی، حزبی و به سفارشات عمه، خاله، اندرونی و بیرونی بود اگر چه اثبات کرد اداره امور مملکت به سفارش عمه و خاله نمی شود ولی گویی دیوان سالاری حکومتی در ایران گوشی برای شنیدن و چشمی برای عبرت گیری ندارد و تا به امروز نیز تحت تأثیر این پیوندهای قبیله‌ای و فامیلی که عموماً فاقد و جاهت و صلاحیت و شایستگی است، می باشد.

اولین قرارداد دوستی و تجاری بین ایران و امریکا در ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶م (۲۲ آذر ۱۲۳۵ش/ ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۷۳ق) در قسطنطنیه به امضا رسید و معروف به قرارداد قسطنطنیه شد. در ماده دوم این قرارداد آمده است که با سفر او همه مأمورین دیپلماتیک طرفین قرارداد مثل مأمورین کشورهای کامله الوداد رفتار خواهد شد و از احترامات و همان حقوق ویژه و مصونیت برخوردار خواهند بود. در ماده سوم این قرارداد آمده است که اتباع دو هیئت منعقد کننده قرارداد مانند بازرگانان، مسافرین، صنعتگران



و غیره که در قلمرو طرف مقابل اقامت می‌کند... در کلیه امور مانند اتباع و شهروندان ملت‌های کامله الوداد با آنها رفتار شود. در ماده پنج به طور مفصل قواعد منازعات بین اتباع با شهروندان ایرانی و غیره مورد بحث قرار گرفته است.



ماده دوم: سفر با پاسپورت دیپلماتیک که طرفین منعقد کنند  
 قرارداد به کشور مقابل اعزام می نمایند باید با حسن رفتار پذیرفته شوند.  
 با سفر و همه مشاوری دیپلماتیک مثل مشاوری کشورهای کامله  
 الوداد رفتار نخواهد شد و از امتیازات و همان حقوق ویژه و مصونیت  
 برخوردار خواهند بود.

ماده سوم: اتباع دو هیئت محترم منعقد کنند قرارداد سه جانبه اولین  
 بازگشتن، مستکبران و غیره که در هر دو طرف مقابل الاستی می کنند  
 باید محرم شناخته شوند و رسماً توسط دولت کشوری و مشاوری دولتی  
 مورد حمایت قرار گیرد و در کلیه امور مانند اتباع و شهروندان مدتها  
 کامله خواهد با آنها رفتار شود. آنها می توانند هر نوع کالای  
 تجاری را از طریق خشکی بندرها به کشوری که صادر کنند و همچنین  
 خود و گروه یا تعویض کرده یا کالای دیگری را خریداری کرده و  
 به هر متعلقه در سفر هیئت مقابل منعقد کنند قرارداد اصل دارند و رسماً  
 بازگشتن کشوری که در کشور مقابل به کار تجارت داخلی می برداوند با  
 توجه به قوانین تجاری آن کشور با آنها رفتار می شود. از آن پس در صورتی  
 که هر کدام از طرفین محترم منعقد کنند قرارداد امتیازات دیگری به اتباع  
 و شهروندان سایر ملل واگذار نمایند باید مشابه همان امتیاز را به اتباع  
 کشور مقابل که در همان نوع تجارت مشغول می باشد اعطاء کنند.

ماده چهارم: به استثنای تجارت و صادرات و واردات و سایر امور  
 و شهروندان دو هیئت محترم منعقد کنند قرارداد در هنگام صدور و  
 ورود کالا به کشورهای مقابل و بیعی انفرادی بر آنچه که از تجار و اتباع سایر  
 کشورهای کامله الوداد در موقع ورود و صدور کالا اخذ می گردد تعلق

۱. معنی لغوی کلمه الوداد است: *le mot d'origine arabe signifie*  
 کامل است و پس در مفهوم دیپلماتیک معنی و معنی دارد به این صورت





نی می‌گردد و نیاز به سالیات خاصی تحت هیچ عنوان و بهانه‌ای از این کالاها گرفته شود.

ماده پنجم: کلیه دعاهای و مذاکراتی که در ایران بین این کشور و شهروندان آمریکایی رخ می‌دهد باید در دادگاههای ایران که به چنین مسائلی رسیدگی می‌کنند و در سببی که کنسول بنا می‌نهد در آمریکا، بتوانند حضور یافته، مورد رسیدگی قرار گیرد و باید بر اساس عدالت در حضور کنسول و یا مأمورین آمریکا تصمیم‌هایی اتخاذ گردد. کلیه دعاهای و اختلافاتی که در قلمرو ایران بین شهروندان آمریکا رخ می‌دهد باید کلیتاً برای رسیدگی و دادوسی به کنسول یا کارگزاران کنسولی آمریکا که ساکن در آن استان و یا نزدیکترین استان محل وقوع اختلاف که آمریکائیان مذکور ساکنند داشته باشند ارجاع گردد تا بر اساس قوانین متعهد آمریکا در مورد آنان تصمیم‌گیری شود.

دعاهای و مذاکراتی که بین اتباع آمریکا و اتباع سایر کشورهای خارجی در ایران رخ می‌دهد یا دارای کنسولهای مربوط به سایرین دعوا و یا در کارخان آنها مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

کلیه دعاهای که در آمریکا بین اتباع ایران و سایر آنها با اتباع

که کلیه امتیازات و حقوق اجناسی را که کشوری بابت یک کشورهای دیگر داشته است همه را به طرف مقابل قرارداد اعضا می‌کند، ایران و آمریکا هر چند که در این قرارداد به طور مساوی از این امتیاز برخوردار شده‌اند ولی باید توجه کرد که موافقت این دو کشور در رابطه با کشورهای دیگر کاملاً متفاوت بود. مثلاً آمریکا امتیازات متقوس (مثل کابوتولاسیون) به کشورهای دیگر برده بود و یا به کار برون این کلمه اتباع ایران هیچ نوع حقوق ویژه در خاک آمریکا به دست نمی‌آوردند در حالی که اتباع آمریکا کلیه امتیازات حقوقی و مصونتهایی را که ایران نسبت به آن موافق به روسیه، اتریش و انگلستان داده بود به آنها به دست می‌آوردیم.



آمریکا و یا اتباع سایر کشورهای خارجی رخ می‌دهد باید مطابق قوانین آمریکا که در حق کشورهای کاملاً خودمختار اجراء می‌گردد مورد بررسی قرار گیرد.

اتباع ایرانی که مقیم آمریکا می‌باشند و اتباع آمریکایی که ساکن ایران هستند اگر متوجه به بررسی جنایی شناخته شوند باید در همان کشور محل وقوع جرم و مطابق قوانین کشورهای کاملاً خودمختار مورد محاکمه قرار گیرند.

ماده هشتم: در صورتی که یکی از اتباع کشورهای طرفین محترم دعوت کننده تراداد در قلمرو کشور مقابل فرستاده نمایند، باید به‌طور کامل به‌تعالواحه و با شرایط تجاری وی تحویل داده شود و در صورتی که شرایط بنا را بطی نداشته باشد باید به کشور و یا کارگزاران کشور متبوع وی تحویل داده شود و تحویل گیرنده باید مطابق قوانین کشور خود به آنها رسیدگی نماید.

ماده نهم: دولت محترم مستعد کننده تراداد به‌منظور سیولت و حمایت از تجارت اتباع خود در روابط مستقیمه اتباع دو کشور حق نگهداری کارگزاران دیپلماتیک را در اختیار یکدیگر دارند و به همین دلایل طریق از حق تأسیس سه کنسولگری در کشور مقابل برخوردار می‌شوند. کنسولگریهای آمریکا در تهران، بندر بوشهر و تبریز تأسیس می‌شود و کنسولگریهای ایران در ولایت گنجه، تبریز و ولایت تالش خواهد گردید. کنسولگری دو طرف پیمان در قلمرو یکدیگر و در مناطقی که اقامت می‌کنند از مسوولیتها و امتیازات دولتهای کاملاً خودمختار برخوردار می‌گردند. کارگزاران دیپلماتیک و اداکنندهای ایالات متحده آمریکا به‌طور مطلقه و مطلقه از اتباع حکومت ایران حمایت نخواهند کرد و هیچکدام از آنها از اصولی که در این سوافقتنامه با رضایت طرفین مورد قبول قرار گرفت تخلفی نخواهند کرد. این مسئله توسط طرفین پیمان





شماره ۲۹۹

پذیرفته است که اگر یکی از کشورها به کار تجارت مشغول شوند تاریخ  
همان قوانین خواهد بود که برای اشخاص همسایگان که به کار  
تجارت خصوصی می‌پردازند به کار گرفته می‌شود.

این نکته را هم دو هیئت طرف قرارداد می‌پذیرند که کارگزاران  
کنسولی و دیپلماتیک آمریکا حق استخدام افراد بومی را بیشتر از آن  
تعداد که طبق پیمان با سایرین سیاسی و غیره در ایران داده شده،  
ندارند!

ماده هشتم: دو هیئت توان دارند که این پیمان دویس و  
تجاری یا حسن تفاهم به امضا رسید و در حکومت ایران و ایالات متحده  
آمریکا اطینان دارند که این پیمان تا ده سال بمواز عقد آن اعتبار خواهد  
داشت و اگر طریق پیمان پیش از انقضاء ده ساله اول به طور رسمی قید  
کناره‌گیری از پیمان را به طرف مقابل اعلام نکنند، اجرای آن یکسال پس  
از آن تاریخ الزامی خواهد بود. دو هیئت نام‌الغبار طریق پیمان  
توافق می‌کنند که پیمان را حداقل به‌عنوان شش ماه و در صورت امکان  
زودتر از این موعد به تصویب دولت‌های مربوطه رسانند و در مسئله  
معاوضه نماید.

همشای نام‌الغبار و محترم طریق پیمان با امتداد کامل پیمان  
را امضا کرده و بر آن مهر می‌زنند. متن پیمان در دو نسخه به فارسی و  
انگلیسی در تاریخ سیزدهم سناسیر ۱۳۰۶ م برابر با یازدهم ربیع‌الثانی  
۱۳۰۶ م درق در مسئله به امضا رسید.

مهر و امضا فرخنده      سید اول انیس

۱. طبق ماده دهم عهدنامه است و دوم فوریه ۱۳۰۶ رسید و ایران پذیرفته  
شده بود که کارگزاران تجاری و کنسولی روسیه فقط حق استخدام ده نفر  
ایرانی را دارند (رجوع شود به کتاب مهر)

اولین رگه‌های بهره‌گیری از کاپیتولاسیون توسط امریکاییان در ایران را باید در ماده پنج این قرارداد جست‌وجو کرد. در ابتدای این ماده آمده است که کلیه دعاوی و منازعاتی که در ایران بین این کشور و شهروندان امریکایی رخ می‌دهد باید در دادگاه‌های ایران که به چنین مسائلی رسیدگی می‌کنند و در محلی که کنسول یا مأمورین امریکایی بتوانند حضور یابند مورد رسیدگی قرار گیرد و باید بر اساس عدالت و در حضور کنسول و یا مأمورین امریکا تصمیم نهایی اتخاذ گردد.

در بند سوم این ماده آمده است دعاوی و منازعاتی که بین اتباع امریکا و اتباع سایر کشورهای خارجی در ایران رخ می‌دهد با داوری کنسول‌های مربوط به طرفین دعوا یا کارگزاران آنها مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

در بند چهارم آمده است کلیه دعاوی که در امریکا بین اتباع ایران و مابین آنها و اتباع امریکا و یا اتباع سایر کشورهای خارجی رخ می‌دهد باید مطابق قوانین امریکا که در حق کشورهای کامله الوداد اجرا می‌گردد، مورد رسیدگی قرار گیرد.

امریکاییان از جهل دولتمردان ایران استفاده می‌کنند و بر خلاف صدر این ماده که در رسیدگی دعاوی بین اتباع امریکایی و اتباع ایرانی و یا بین اتباع امریکایی با اتباع دیگر کشورها حق حضور و قضاوت کنسول یا نماینده را تأکید می‌کنند در دعاوی اتباع ایرانی ساکن امریکا با اتباع بومی و اتباع بیگانه به طور کلی کنسول و یا نماینده ایران را حذف و رسیدگی بر مبنای قوانین امریکا در مورد دولت کامله الوداد را که عبارت مبهمی است جایگزین می‌کنند.

داستان فریب خوردن دولتمردان ایران در مذاکرات و انعقاد قراردادهای سیاسی، تجاری، فرهنگی و حقوقی داستان طولانی است که ما در این پژوهش به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم تا ملت ایران بدانند چرا نمایش رژیم پهلوی در لغو کاپیتولاسیون در دوره رضاخان در عرض کمتر از سه دهه به قرارداد ننگین کاپیتولاسیون با امریکا رسید و چرا امام خمینی به رغم سکوت مرگبار تمامی احزاب، گروه‌ها و جریان‌های مدعی ملی‌گرایی سکوت در مقابل این خیانت بزرگ را جایز ندانست و نزدیک به پانزده سال به خاطر نپذیرفتن این سکوت رنج غربت و تهمت و بداخلاقی‌های خودی و غیر خودی را تحمل کرد.

اکنون ملت ایران در یک چرخش تاریخی باز هم در مسیر مذاکرات دیگری با امریکایی‌های حبله‌گر قرار گرفته است. باز خوانی پرونده کاپیتولاسیون به دولتمردان ما کمک می‌کند تا حرف به حرف و کلمه به کلمه روی توافقات تمرکز کرده و مواظب





اصطلاحات و تعابیر مبهم، متشابه و قابل تأویل و تفسیر باشند. امریکایی‌ها از ابتدای ورود به ایران بر یک اصل اساسی در بین خود معتقد بودند و آن این که حمایت از منافع و زندگی و دارایی‌های امریکاییان در میان مردمی معتقد که اغلب به طور کامل در کنترل حکومت مستبد و فاسد خود نیستند کاری پیچیده و مشکل است. از آنجایی که امریکایی‌ها در کی از این پیچیدگی نداشتند برای غلبه بر آن راه تحقیر ملت ایران را در پیش گرفتند.

هر چه به دوران جدید نزدیک می‌شویم گزارشات کینه‌توزانه مأموران امریکایی در مورد مردم ایران و اعتقادات آنها و ضرورت دخالت مستقیم در امور ایران بیشتر می‌شود. در ۲۳ مارس ۱۸۹۰ همسر یکی از میسیونرهای امریکایی به نام خانم رایت به سختی توسط یک ارمنی زخمی گردیده و پس از چندی فوت می‌کند. به سبب فقدان نمایندگی امریکا در ایران، ژنرال استوارت کنسول انگلیس در تبریز متهم را محاکمه و او را به حبس ابد محکوم می‌کند. امریکایی‌ها معتقدند که دودلی دولت ایران در اجرای حکم منجر به بروز هیجانات عمومی می‌گردد و معلوم می‌شود که در چنین شرایطی قاتل در زندان نخواهد ماند.

ویلیام وارتن کفیل وزارت خارجه امریکا اعلام می‌کند که عدالت دولت ایران نمی‌تواند تنبیه مناسب قاتل را تضمین کند و در نهایت وزارت امور خارجه در مسیر پر پیچ و خم و بی‌انتهای تلاش برای حفظ حیثیت امریکا از چنگال حکومت ایران قرار خواهد گرفت. گله از برخورد با امریکاییان در اغلب دوران در گزارشات مأموران امریکایی وجود دارد و بی‌تردید بخشی از این رفتارها به زیادی‌خواهی‌هایی باز می‌گردد که امریکاییان با نیرنگ در قرارداد قسطنطنیه گنجانده بودند.

در ۱۹۰۴م کشیش بنجامین لباری به دست بومی‌های کرد منطقه آذربایجان غربی به قتل می‌رسد. میسیونرهای امریکایی از سفیر امریکا می‌خواهند به صورت جدی این مسئله پیگیری شود. سفیر امریکا از سفارت انگلیس که نفوذ بیشتری داشت تقاضای کمک کرد. دخالت سفارت انگلیس ظاهراً تأثیری در پیگیری مسئله نداشت و سفیر امریکا از دولتمردان خود خواست ایرانی‌ها به چیزی بیش از تنبیه اخلاقی نیاز دارند. سرانجام وزارت خارجه امریکا اطلاع داد که مذاکره بدون تهدید و زور فایده‌ای ندارد و انگلستان با اعزام ناوگان امریکا به خلیج فارس مخالفتی نخواهد کرد.

یسلسون در کتاب *روابط سیاسی ایران و امریکا* می‌نویسد:

واشنگتن سرانجام با آینده‌ای روبه‌رو شد که همیشه فکر می‌کرد



می‌تواند از آن اجتناب کند. برای حکومت امریکا مداخله فعالانه در ایران مثل همیشه ناخوشایند بود اما چنین به نظر می‌رسد که این کار تنها راه حفظ جان و مال و اعتبار امریکاییان در ایران است.<sup>۱</sup>

تمام داستان مداخلات امریکا در ایران در دوران بعدی به همین تصویری برمی‌گردد که دولتمردان امریکایی یک طرفه از مفهوم جان، مال و اعتبار امریکاییان دارند. مسیونرهای امریکایی در ایران اصولاً اعتقادی به دریافت غرامت و دیه و قصاص و امثال ذلک که یک اصل حقوقی و شرعی در محاکمات ایران بود نداشتند و معتقد بودند که برای حفظ جان مسیونرهای امریکایی باید تمام آنهایی که در قتل کشیش بنجامین لاباری دخالت داشتند محکوم به مرگ شوند!! یعنی باید چند نفر را به جرم قتل یک نفر نابود کرد. داستان اصلی تقابل حقوقی غربی‌ها در شرق به خصوص در ایران، که بعدها با امتیازات کاپیتولاسیون به دنبال جبران این تفاوت‌ها بودند، بخش اعظمی به تفاوت مبنایی برخورد با مجرم برمی‌گشت. در ایران محاکم قضایی در سیطره دولت نبود که بتواند از امتیازاتی که به کنسول‌ها در قراردادهای داده شده بود اتباعی از ملت ایران را محاکمه کنسولی کرد. شاید یکی از موانعی که باعث شد ایران در بست در سیطره دخالت‌های کنسولی قرار نگیرد همین امتیازی بود که در دیگر کشورهای اسلامی وجود نداشت.

یکی از مأموریت‌های رضاخان این بود که این قدرت که راه نفوذ مطلق استعمار غربی را در ایران سد می‌کرد از سر راه بردارد.

### مورگان شوستر، نماینده فرشته مشعل به دست مدخل نیویورک در ایران!!

این فکر که باید امریکای صلح‌جوی بشردوست را به ایران علاقه‌مند ساخت و ایران را از دایره محدود مبارزات دو حریف‌رهای بخشید زمینه مستعد و مساعدی در افکار ملیون ایران یافت و نخستین انعکاس آن به صورت استخدام شوستر جلوه‌گر شد.

حسین مکی<sup>۲</sup>

استخدام مورگان شوستر امریکایی و هیئت همراه برای حل مسائل مالی ایران، ناشی از عواطف بشردوستی و نوع‌پروری امریکای بزرگ در اذهان منورالفکرهایی بود که

۱. همان، ص ۱۱۱.

۲. حسین مکی، تاریخ بیست ساله، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۱۰۱.



کرسی‌های مجلس مشروطه را از پایگاه طبقاتی و دیوان‌سالاری قاجاریه اشغال کرده بودند. البته آنها قبل از اینکه قیله خود را به سمت امریکا بچرخانند در مجلس اول تضمین آزادی و مشروطیت را در گرو سرسپردگی به انگلیس می‌دانستند. منورالفکرهای قاجاری استخدام مورگان شوستر را به حساب عواطف بشر دوستانه و نوع‌پروری امریکا گذاشتند در حالی که شوستر هیچ نسبتی با دولت امریکا نداشت. دولت امریکا از اساس به هیچ عنوان تمایلی نداشت در این دوران برای حفظ منافع ایران خودش را درگیر با دو ابرقدرت دوران یعنی روس و انگلیس نماید. به محض تقاضای دولت ایران برای استخدام مستشاران امریکایی، هانتینگتون ویلسون معاون وزیر امور خارجه امریکا در یادداشت صریحی اعلام کرد:

ما باید در پذیرش هر نوع عمل زیان‌آور نسبت به اصل سیاست درهای باز بسیار مراقب باشیم... به نظر می‌رسد منافع ما در ایران نسبت به سایر مناطق چیزی در حدود صفر است. آنجا محلی نیست که ما مهمات خود را مصرف کنیم و خیلی ابلهانه است اگر دولت‌ها را به خاطر دخالت در مسائل ایران تحریک کنیم.<sup>۱</sup>

این که استخدام مورگان شوستر امریکایی و هیئت مستشاران او برای اصلاح وضع گمرک و مالیه ایران فصل تازه‌ای در روابط ایران و امریکا بود،<sup>۲</sup> افسانه‌ای است که مانند بسیاری از افسانه‌های دیگر بیش از آن که ریشه در واقعیات تاریخی داشته باشد ریشه در تخیلات شبه‌روشنفکران دلسپرده به امریکا دارد.

تخیلات و دل‌سپردگی‌هایی را که بعدها برای ایران منشأ مصیبت‌های جدیدی شد. مصیبت‌هایی که تا به امروز نیز دست از سر این مرز و بوم برنمی‌دارد و هر روز مشکلات تازه‌ای را پیش پای ملت ما می‌اندازد. اقدامات مورگان شوستر به عمد یا سهو به حساب دولت امریکا و تمایل این دولت به آزادی و استقلال ملت ایران گذاشته شد. کارگزاران دولت قاجاری هیچ‌گاه به خود زحمت ندادند تا تمایلات رسمی آشکار و نهان دولت امریکا را در این رابطه برای مردم ایران درست تبیین نمایند. دولت امریکا ابتدا در جریان استخدام مورگان شوستر رسماً اعلام کرد: هر نوع بررسی درخواست ایران بدون توجه به محسنات آن و بدون تلاش زیاد در این راه موجب ائتلاف بسیاری از جریان‌ها با ارزش سیاسی سابق خواهد شد و حتی اگر در راه پذیرش و موافقت با آن بهایی هم پرداخت

۱. آبراهام یسلسون، همان، ص ۱۵۶.

۲. مورگان شوستر، *اختناق ایران*، با مقدمه‌ای از اسماعیل رائین، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۶۲، ص ۷.

نشود امکان دارد مشکلاتی را به دنبال داشته باشد.<sup>۱</sup>

متعاقب این مباحث، وزارت امور خارجه امریکا رسماً اعلام کرد:

دولت امریکا نه می تواند از مأمورین رسمی حکومتی برای این کار استفاده کند و نه می تواند در انتخاب کارشناسان بخش خصوصی مسئولیت بین المللی بپذیرد.<sup>۲</sup> وزارت امور خارجه امریکا قصد داشت امید دولتمردان ایرانی را برای استخدام امریکاییان به یأس مبدل کند که ناگهان حس بشردوستی رئیس جمهور امریکا، پرزیدنت ویلیام هوارد تافت به جوشش آمد و از سیاست های استاد خود پرزیدنت روزولت عدول کرد و طی نامه ای در ۲۸ دسامبر ۱۹۱۰م (۷ دی ماه ۱۲۸۹ش) مسئله را از دست وزارت خارجه خارج ساخت و نوشت: نامه ای از مورگان شوستر برایتان می فرستم که در آن درباره درخواست احتمالی حکومت ایران جهت اعزام تعدادی متخصص برای ساماندهی مجدد نظام مالی و دارایی ایران نوشته شده است. من کسی را در داخل و خارج سراغ ندارم که بتواند این کار را بهتر از خود مورگان شوستر انجام دهد. میل دارم که در این رابطه با من صحبت کنید.<sup>۳</sup>

ظاهراً تافت از طریق شوستر فهمیده بود که ایران چه گوهر گرانبهایی برای بازارهای امریکایی است. این گوهر گرانبها با استراتژی دیپلماسی «تجاوز کارانه دلار» که نظریه تافت در حوزه سیاست خارجی بود کاملاً سازگاری داشت. این سیاست اقدامات ماجراجویانه ای را که ظاهراً بی ضرر بوده ولی منافع بیشتری را برای امریکاییان به دنبال می آورد تشویق می کرد.<sup>۴</sup>

اسناد موجود نشان می دهد که مورگان شوستر رئیس جمهور را اقناع کرد که سیطره وی بر مسائل مالی و پولی و اقتصاد ایران، بنای مستحکمی را پدید می آورد که می توانست برای سرمایه های تجاری امریکا بسیار سودمند باشد. شوستر به رئیس جمهور اطمینان داد که حضور وی در ایران و مدیریت اقتصاد این کشور به عنوان مناطق جذب سرمایه گذاری امریکا با سیاست های پرزیدنت سازگاری دارد. با این توجیهات در دوم فوریه ۱۹۱۱م (۱۲ بهمن ۱۲۸۹ش) مجلس ایران اقامت امریکاییان را برای یک دوره

۱. آبراهام یسلسون، همان، ص ۱۵۷-۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۵۸.

۳. همان، ص ۱۶۰-۱۵۹.

۴. همان، ص ۱۶۰.





سه ساله تصویب کرد. جالب اینجاست که وزارت امور خارجه امریکا قبل از آن که هیئت مذکور روانه ایران شود این مسئله را به آنها گوشزد کرد که ایشان در استخدام حکومت ایران هستند و هیچ نوع نمایندگی از جانب حکومت امریکا ندارند.<sup>۱</sup>

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که دانسته شود حساب مستشاران که مستخدمان دولت پذیرنده هستند با مسئله مأموران که مستخدمان دولت فرستنده هستند بسیار متفاوت است و یکی از نکات کلیدی در فهم دقیق جریان اعطای مصونیت به مستشاران امریکایی و مخالفت امام با آن در سال ۱۳۴۳ می باشد.

با عنایت به نکات مذکور باید گفت که اعزام مورگان شوستر و هیئت همراه که امریکوفیل های ایرانی تلاش کردند آن را به تمایلات بشردوستانه امریکا نسبت دهند هیچ نسبتی با این داستان ها ندارد و صرفاً ساخته ذهن شبه روشنفکران خودباخته این دوران و دوران بعدی است. جالب اینجاست که پس از اخراج شوستر از ایران، وزارت امور خارجه امریکا رسماً اعلام کرد که حکومت امریکا رسماً علاقه ای به فعالیت های شوستر در ایران نداشته و فعالیت های وی ربطی به دولت امریکا ندارد. کوکوسف نخست وزیر روسیه از دولت امریکا به خاطر درک مسئله ایران و روش دوستانه اش نسبت به روسیه در مورد ایران تشکر کرد.<sup>۲</sup>

سیلسون می نویسد:

در هشتم نوامبر ۱۹۱۱م پس از اخراج شوستر، میرزا قلی خان کاردار سفارت ایران در امریکا نامه ای به وزارت خارجه امریکا می نویسد که تا مدتی موجب تمسخر و خنده و شوخی های زیادی در کنگره امریکا بود. بخشی از متن این نامه به قرار زیر بود:

اولتیماتوم روسیه استقلال کشور ما را تهدید می کند... تنها اشتباه ما احتمالاً این بوده است که ضرورتاً دریافتیم به رژیم جدیدی نیاز داریم و وارد یک دوره اصلاحات و سازماندهی شدیم. تصدیق کنید که عمل ما بی ضرر بوده و... خطایی مرتکب نشده ایم. ما به کمک احساسات انسان دوستانه امریکا می خواهیم به آنان بگوییم شما که فواید آزادی را آزمایش کرده اید آیا می خواهید شاهد سقوط ملتی باشید که تنها تقصیرش تأکید به پیروی از نظام شما برای نجات آینده خویش است؟

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. همان، ص ۱۶۷.



آیا شما تحمل می کنید که ایران به علت تمایل به حفظ اعتبار ملت خود و درک چنین اندیشه مقدسی سقوط کند؟ با اعتماد به احساسات افتخار آمیز ملتی عدالت طلب که شما نمایندگی آنها را دارید اطمینان داریم که این توسل ما مستقیماً به گوش شما خواهد رسید و کمک های شما را جهت حل رضایت بخش مسئله با حفظ اعتبار و استقلال ایران برای ما فراهم خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

نامه ساده لوحانه میرزا قلی خان، میزان استیصال دولتمردان عصر قاجاری و عدم درک دقیق آنها از شرایط جهانی را به نمایش می گذارد. دولتمردان ایران راه علاج در ماندگی ها و مشکلات کشور را به جای توسل به قدرت مردم با تکیه به قدرت های خارجی می دیدند و با این تمایلات ایران را به صورت قربانی ضعیف در مقابل قدرت های بزرگ قرار دادند؛ سیاستی که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی عملاً ایران را به عنوان کشوری وابسته به قدرت ها در جهان معرفی می کرد.

جریان استخدام مورگان شوستر و جریان استخدام میلسپو باید برای دولتمردان ما به عبرت باشد؛ عبرت از این جهت که اعتماد به بیگانگان که در جهان جز به منافع خود نمی اندیشند و دل سپردن به وعده ها و قول های آنها امری ساده لوحانه و فاقد وجاهت های عقلی و تاریخی است. خوش بینی در مذاکرات و چانه زنی های سیاسی آن هم برای منافع حفظ بقا و منافع حیاتی کشور باید مبتنی بر یافته های تاریخی یا وجاهت منطقی باشد. مطالعه تاریخ رابطه با امریکا، انگلیس یا روسیه از نظر عقلی اعتماد به چنین خوشبینی ای را به ما نشان نمی دهد. سراسر تاریخ مذاکره و سازش با این قدرت ها برای ملت ما زیان بخش و رنج آور بود. بزرگترین خطای دولتمردان عصر قاجاری و پهلوی صرف نظر از تمایلات سیاسی آنها این بود که فکر می کردند می توانند با تکیه بر یک قدرت جهان خوار قدرت های دیگر را تعدیل نمایند.

### **جنگ جهانی اول و فرشته مشعل به دستی که از کاپیتولاسیون دل نمی کند!**

امریکاییان از گذشته پر بار جهان اسلام چندان آگاهی ندارند. تنها چیزی که می دانند این است که این دین با شمشیر پیامبر و پیروان او به آسیا و آفریقا و حتی اروپا راه یافت و به جنگ های دینی منطقه به نظر

۱/ اسناد کنگره/ امریکا، کنگره ۶۲، نشست ۲ و ۷ دسامبر ۱۹۱۱، ج ۴۸، ص ۸۹-۸۸؛ به نقل از آبراهام یسلسون، همان، ص ۱۶۹.





تحقیر نگاه می‌کنند. غافل از این که اسلام به تروریسم اعتقاد ندارد و تنها سه قرن از زمانی گذشته است که مسیحیان در اروپا بر سر دین با هم می‌جنگیدند.

ریچارد نیکسون<sup>۱</sup>

از وقتی در ۲۳ ژانویه ۱۹۱۹م/ ۱۲۹۷ش، سوئارد کنسول موقت امریکا در تهران نوشت که عموم ایرانیان برای احقاق حقوق خود به امریکا اتکا دارند و میهن پرستان ایران مایل اند تحت حمایت امریکا باشند و متعاقب آن فرانسیس وایت کاردار سفارت امریکا در تهران افزایش اعتماد دولتمردان ایرانی به امریکا را برای دولت متبوع خود این گونه گزارش می‌کند: بعد از پایان جنگ در ایران توجهات زیادی به اصلاحات شده و همه برای بازسازی کشور آشکارا به مساعدت‌های امریکا چشم دوخته‌اند،<sup>۲</sup> امریکاییان به وسوسه افتادند که نقش مؤثرتری را در صحنه سیاسی ایران ایفا کنند. مخصوصاً از این جهت که وزیر امور خارجه ایران یک هفته بعد از این گزارش نامه‌ای به وزیر امور خارجه امریکا می‌نویسد و از امریکا می‌خواهد که در کنفرانس صلح پاریس برای تحقق خواسته‌های زیر به ایران کمک کند:

۱. حق عضویت و شرکت در کنفرانس صلح؛
۲. الغای تمام قراردادهای، حقوق گمرکی اروپاییان و توافقنامه‌هایی که بی طرفی و استقلال داخلی ایران را خدشه دار می‌کرد؛
۳. بازپرداخت خساراتی که توسط کشورهای متحارب به ایران وارد آمده بود؛
۴. آزادی عمل حکومت ایران در زمینه اقتصادی؛
۵. بررسی مجدد تمام عهدنامه‌ها و الغای کاپیتولاسیون؛
۶. آزادی عمل ایران در انعقاد قراردادهای مالی تازه و تجدید نظر در تعرفه‌های گمرکی؛
۷. کمک به بررسی مجدد تمام عهدنامه‌هایی که الزاماً با مواد فوق مطابقت پیدا می‌کند؛
۸. اصلاح مرزها.<sup>۳</sup>

نفوذ انگلستان در کنفرانس صلح پاریس، و جلوگیری از طرح تقاضاهای ایران در این کنفرانس و متعاقب آن کودتای ۱۲۹۹ رضاخان به کمک انگلیسی‌ها و حاکم شدن مطلق

۱. ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین وفسی‌نژاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۲۴۴.

۲. آبراهام یسلسون، همان، ص ۲۰۳.

۳. همان، ص ۲۰۲.

بریتانیا بر ایران پس از خروج حکومت انقلابی روسیه از ایران به طور موقت فرصت حضور مؤثر امریکا در منازعات مربوط به ایران را گرفت.

اگر چه هارولد نیکلسون یکی از کارشناسان خبره امریکایی در حوزه سیاست خارجی گناه این شکست را به گردن شورای عالی کنفرانس صلح و نفوذ انگلستان در این شورا و سایر ملاحظات سیاسی دیگر انداخت ولی عده‌ای از صاحب نظران معتقدند امریکاییان به هر دلیلی در این مسئله کوشش کافی به عمل نیاوردند و یکی از دلایلی که باعث شد انگلیسی‌ها به فکر جایگزین کردن یک دیکتاتور وابسته و جنایت کاری مثل رضاخان به جای یک دولت ملی در ایران باشند خروج روسیه از منازعات ایران و تعلق و سستی امریکا در کمک به دولتمردان ایرانی برای تحقق خواسته‌های مذکور و از همه بدتر ناتوانی و بی‌اعتمادی دولتمردان ایرانی به توانایی‌های مردم و تکیه غیر عقلانی به دولت‌های خارجی برای حل مشکلات کشور بود.

امریکایی‌ها نه تنها به تحقق خواسته‌های ایران در کنفرانس صلح پاریس کمک نکردند بلکه بر اساس اسناد موجود، در پانزدهم نوامبر ۱۹۱۸م/ ۱۲۹۶ش، کلنل ادوارد هاوس مشاور ویلسون رئیس جمهور امریکا، طی پیامی به لانسینگ وزیر امور خارجه امریکا اعلام کرد که ایران مجاز نخواهد بود جهت تشریح اهداف خود در مذاکرات صلح پاریس شرکت کند. هاوس در این پیام تصدیق کرد که شکایات کشورهای بی طرف در جنگ به قوت خود باقی است و آنها باید بتوانند در سازمان جهانی تظلم خود را بیان کنند.<sup>۱</sup> این برخورد چندپهلوی و منافقانه امریکا، دولتمردان ایران را از خواب خرگوشی بیدار نکرد. حتی وقتی در پایان کنفرانس ویلسون رئیس جمهور امریکا پاسخ انگلیسی‌ها در مورد ممانعت از ورود ایران به کنفرانس را منطقی اعلام کرد و مورد تأیید قرار داد و متعاقب آن روزنامه‌های امریکایی نوشتند که ایران آمادگی برای نیل به استقلال کامل را ندارد و بهترین راه حل به کارگیری اصل قیومت درباره ایران است،<sup>۲</sup> باز هم کارگزاران بی‌لیاقت و سرسپرده ایران این تحقیر و توهین آشکار به ملت ایران را نادیده گرفته و در کردیدوهای وزارت امور خارجه امریکا به دنبال راضی کردن امریکاییان بودند تا آنها رئیس جمهور را متقاعد کنند بر ملت ایران منت بگذارند و در امور ایران دخالت نکنند!

در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش حکومت ایران توسط رضاخان ساقط شد. در همین سال نیز قرارداد مودت بین ایران و شوروی به امضا رسید و در این قرارداد کاپیتولاسیون

۱. همان، ص ۲۰۵-۲۰۴.

۲. همان، ص ۲۰۷-۲۰۶.





رسماً ملغی گردید. ون انگرت کاردار امریکا در ایران در تلگرافی به وزارت امور خارجه امریکا ضمن اعلام این خبر اظهار می کند که موقعیت امریکا به عنوان پرطرفدارترین کشور در ایران به علت الغای قرارداد ترکمانچای شدیداً تضعیف شده است! البته ملیون ایرانی که برای جایگزینی فرشته مشعل به دست امریکا به جای روس و انگلیس سر از پا نمی شناختند هیچ گاه از وجود چنین تلگرافی با خبر نشدند.

هیچ چشم بینا و گوش شنوایی صدای پای خفیف و مودیانه این استعمارگر زیرک را حس نکرد. متعاقب این گزارش کاردار امریکا اظهار داشت که سعی خواهد کرد تا آنجا که می تواند با استفاده از قرارداد ۱۸۵۶ (قرارداد قسطنطنیه) حقوقی را برای امریکا تثبیت نماید. امریکایی ها تازه طعم دلچسب امتیاز کاپیتولاسیون را چشیده بودند و تمایلی نداشتند به راحتی از آن چشم پوشی کنند.

وزارت امور خارجه امریکا به سفارت خود در تهران اطلاع می دهد که کاپیتولاسیون را بدون رضایت قدرت هایی که از آن بهره مند هستند نمی توان تغییر داد. وزیر امور خارجه امریکا تأکید می کند کلیه حقوقی که امریکاییان به دست آورده اند خواه در قرارداد ۱۸۵۶ باشد یا نه، باید برای امریکاییان محفوظ بماند. با پافشاری بر تداوم کاپیتولاسیون در حالی که احساسات ناسیونالیستی ایران همراه با اضمحلال قدرت امپراتوری روسیه و انگلیس بروز کرده بود، امریکا فرصت مناسبی را برای مشارکت در آمل جنبش ناسیونالیستی ایران از دست می داد؛ آن هم به خاطر حمایت از امتیازاتی که چند سال بعد محکوم به فنا بودند.<sup>۲</sup>

امریکایی ها در ظاهر سیاست انزواطلبی و عدم تمایل به دخالت در امور داخلی ایران را به نمایش گذاشتند تا عده ای از دولتمردان به ظاهر ملی ساده لوح را فریب دهند اما در باطن به رغم این که پایه گذاران کاپیتولاسیون، داوطلبانه از این امتیاز خود گذشته بودند دولت آزادی خواه امریکا! حاضر نبود از حق نداشته کاپیتولاسیون صرف نظر کند. امریکایی ها با این سیاست دوپهلوی نسبت به ایران وارد دوران جنگ دوم جهانی شدند.

۱. همان، ص ۲۳۴.

۲. همان، ص ۲۳۵.